

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۸/۰۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۱۰/۲۵

فصل نامه علمی - ترویجی پژوهش‌های مهدوی

سال پنجم، شماره ۱۹، زمستان ۱۳۹۵

نقد و بررسی ادعاهای آخرالزمانی داعش (با تاکید بر نقد تطبیق روایت دابق)

محمدحسن زارع^۱

چکیده

واژه «داعش» تعبیری اختصاری از «دولت اسلامی عراق و شام» است. این واژه در حال حاضر بر گروهی از پیکارجویان تندروی سنی مذهب اطلاق می‌شود. گروهی برخاسته از تفکر سلفی‌گری، با گرایش شدید به تکفیر سایر گروه‌های اسلامی، و جهاد که پرچم دار فتنه عظیمی در عالم اسلام شده است. داعش به جهت جلب حمایت توده‌های مردمی، به تدریج رنگ و بوی گروه‌های آخرالزمانی به خود گرفته و خود را از زمینه‌سازان ظهور مهدی موعود^ع نشان داده است. نشانه‌هایی از بروز چنین ادعاهایی در آثار و جرایدشان هویدا است. داعش با تطبیق روایتی نبوی که به «حدیث دابق» مشهور است، سعی در اثبات حقانیت خود و لزوم کرنش همه مسلمانان در برابر خویش دارد. این پژوهش با روش توصیفی تحلیلی، این ادعای داعش را مورد نقد و کنکاش قرار خواهد داد. با توجه به مبانی فقه الحدیثی و سایر قرائین و با نظر داشت به ترفند فرقه‌های انحرافی در تطبیق نصوص دینی، تطبیق ادعایی داعش از جهات متعددی باطل و مایه گمراهی است.

واژگان کلیدی

تطبیق، روایات آخرالزمانی، مهدویت، مدعیان، داعش، دابق.

۱. کارشناس ارشد مهدویت مرکز تخصصی مهدویت حوزه علمیه قم (m_h_zare@hotmail.com).

مقدمه

آموزه مهدویت یا اعتقاد به ظهور منجی موعود، از مشترکات اعتقادی شیعه و سنی، بلکه اصلی است که در همه ادیان آسمانی با وجود اشکال مختلفی از موعود باوری، جاری است (محمدی، ۱۳۸۹: ص ۱۱۰). در بسیاری از منابع روایی فریقین، آثار و اخبار متواتری در حوزه مهدویت وارد شده است. به رغم اشتراک در اصل این آموزه، در جزئیات تحقق آن، اختلافات شدیدی وجود دارد. از سویی دیگر به جهت توجه دائمی فرقه‌های انحرافی به این اصل مهم دینی، مجامع روایی همواره از وجود روایات ضعیف و ایراد روایات جعلی آسیب دیده است. علاوه بر این که تطبیق روایات آخرالزمانی بر اندیشه‌های نوپدید، به عنوان چالش بزرگ اسلام در هر عصر و زمانه بوده است و اسلام در طول چهارده قرن از حیات خود، گرداب‌هایی از آن را به خود دیده است که متأسفانه بخش عظیمی از ثروت انسانی و فکری جهان اسلام در پی آن به نابودی کشیده است.

فرقه‌ها در طول تاریخ اسلام همواره از نصوص دینی به جهت پیش برد اهداف فرقه‌ای خویش بهره برده‌اند. آن‌ها به خوبی این واقعیت را درک کرده‌اند که نصوص دینی و روایات اسلامی، جایگاهی بس عظیم در قاموس فکری مسلمانان دارد و چنانچه بتوانند مفاهیم دینی را بر اهداف و راهبردهای گروهی خویش پیاده کنند به فوز عظیمی در جهت جذب قلوب مشتاق نایل شده‌اند. از این رو تطبیق روایات آخرالزمانی از مهم‌ترین لغزشگاه‌های این گروه‌ها به شمار می‌رود. آن‌ها با سوء استفاده از جهل مردم و عدم رجوع به منابع معتبر و متقن دینی و ارائه برداشت‌های ناصحیح از نصوص دینی، خصوصاً با محروم بودن عموم مسلمانان از انوار هدایت اهل بیت پیامبر اسلام علیهم‌السلام، نحله خود را به عنوان عقیده حق به عوام مردم خوانده‌اند. داعش که گروهی از پیکارجویان تندروی سنی مذهب هستند و از لحاظ چارچوبه‌های فکری، اعتقادی متعلق به مدرسه ابن تیمیه و برخاسته از دامان آلوده تفکر سلفی‌گری به شمار می‌آیند؛ به جهت جلب حمایت توده‌های مردمی و اقتناع اندیشه پیروان، به تدریج رنگ و بوی گروه‌های آخرالزمانی به خود گرفته و خود را از زمینه‌سازان ظهور مهدی موعود علیه‌السلام نشان داده است. نشانه‌هایی از بروز چنین ادعاهایی در تطبیق روایات آخرالزمانی در آثار و جرایدشان نظیر مجله «دابق» هویدا است. یکی از اولین و مهم‌ترین تطبیقات داعش، پیرامون روایتی نبوی به وقوع پیوسته است که به «حدیث دابق» شهرت دارد. رهبران ایدئولوژیک داعش، راهبرد نظام‌مند خویش را سعی در اثبات حقانیت خود و لزوم کرنش همه مسلمانان در برابر این گروه،

می‌دانند. از این رو اتفاقات جاری در عراق و سوریه را از علائم اشراط الساعه دانسته و مبنای عمل خویش را در جهت تشکیل حکومتی جهانی با ادعای بازگشت خلافت، قرار داده‌اند و در تازه‌ترین ادعا با شعار مهدویت، جریان‌های مخالف خویش را بر خروج سفیانی تطبیق کرده و خود را زمینه‌ساز ظهور مهدی موعود عجل الله فرجه معرفی کرده‌اند (مجله دابق، ش ۴، ۱۴۳۵: ۳۵).

توجه عمومی مردم به مباحث آخرالزمانی، انگیزه برای فراهم‌سازی زمینه‌های پیدایش موعود در عالم، تصور پایان ظلم و بی‌عدالتی و برپایی عدل و داد که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم وعده قعطی پیدایش آن را در آخرالزمان داده است، می‌تواند نیرویی قوی در توده مردم عوام ایجاد کند که در صورت هدایت نشدن این پتانسیل، خود می‌تواند به یک بحران لاینحل و مصیبتی خانمان برانداز تبدیل شود؛ چنان‌چه نشانه‌هایی از آن حادثه ناگوار را می‌توان در حوادث و ناآرامی‌های منطقه خاورمیانه بالاخص سوریه و عراق مشاهده نمود. از این رو پژوهش در چنین حوزه‌هایی، آگاه‌سازی عموم مردم از نوع انحراف ایجاد شده و تبیین کیفیت سوء استفاده این گروه‌ها از میراث روایی اسلام، بیش از پیش ضروری به نظر می‌رسد.

این نوشتار سعی دارد با روش توصیفی تحلیلی به بررسی ادعای داعش در تطبیق روایت دابق بپردازد. در این مقاله علاوه بر بررسی سندی و محتوایی این روایت، با توجه به تبیینات فقه‌الحدیثی و با نظر داشت به سایر قرائن و ملاحظات و ترفند فرقه‌ها در تطبیقات ناصحیح، مدعای فرقه داعش، مورد واکاوی و نقد قرار خواهد گرفت.

چارچوب نظری پژوهش

الف) نظری اجمالی بر مدعیان دروغین تطبیق‌گرا

نخستین کاربرد نام مهدی در تاریخ اسلام توسط مختار ثقفی اتفاق افتاد که در برخی از نامه‌های خود از محمد بن حنفیه با لقب مهدی یاد کرده است (جعفریان، ۱۳۹۱: ۵۱). این تطبیق و نسبت دادن‌ها، همواره در جهت اهداف منفی و دنیاگرایانه و اهداف به ظاهر مثبت و ارزش‌گرایانه وجود داشته است.

۷

یکی از گروه‌هایی که با استفاده از این مسئله، سعی در جلب و جذب مردم و همراهی آنان داشته‌اند، عباسیان بودند. این اقدامات از طرف آنان حساب شده و همراه با زمینه‌سازی بود. مثلاً منصور دوانیقی دومین خلیفه عباسی با همین هدف نام فرزند خود را مهدی گذاشت و روایت پیامبر اسلام [را تحریف کرد تا فرزندش بتواند ادعای مهدویت کند و با استفاده از اعتقاد

مردم به مهدی موعود، خود را منجی و موعود الهی معرفی کرده و حکومتش را استحکام بخشید. (صادقی، ۱۳۸۹: ۷۰)

در زمان حضور معصومین علیهم‌السلام گروه‌هایی مانند اسماعیلیه (قائلین به مهدویت اسماعیل بن جعفر الصادق علیه‌السلام) واقفیه (قائلین به مهدویت حضرت موسی بن جعفر علیه‌السلام) محمدیه (قائلین به مهدویت محمد بن علی الهادی علیه‌السلام) جعفریه (قائلین به مهدویت جعفر عموی امام زمان علیه‌السلام) عسکریه (قائلین به مهدویت امام عسکری علیه‌السلام) ظهور کردند (جعفریان، ۱۳۹۱: ۷۵-۷۴). همچنین در دوران غیبت صغری افرادی مانند عبیدالله بن محمد فاطمی (پایه‌گذار حکومت فاطمیان در شمال آفریقا) و قرامطه (قائلین به مهدویت زکریای اصفهانی) مدعی مهدویت شدند (نصوری، ۱۳۸۲: ۱۸۱) و در دوران غیبت کبری نیز این امر با شدت بیشتری ادامه پیدا کرد. در این دوران نیز افراد و گروه‌هایی مانند: محمد بن عبدالله بن تومرت علوی حسنی، الناصر لدین الله، فضل الله حروفی، ملاعرشی کاشانی، بایزید انصاری، شاه اسماعیل دوم، مهدی سودانی، سید محمد جونپوری، بابا یزید ترکمانی، مهدی چچنی، سید احمد بریلوی، ضیاء الکرعاوی، سید محمود حسنی صرخی، بابیه و بهائیه و... ظهور کردند (جعفریان، ۱۳۹۱: ۲۶۲-۷۴)

ب) بازتیین مفاهیم کلیدی

تطبیق

تطبیق در لغت به معنای با هم مطابقت کردن، برابر کردن دو چیز با یکدیگر و برابر ساختن است (عمید حسن، ۱۳۸۶: ۴۳۹) و در اصطلاح، مراد از تطبیق در مباحث مهدویت و آخرالزمانی این است که با استفاده از روایات وارد شده از پیشوایان دین، فرد، جریان یا گروهی را با (مصادیق) روایات برابر دانسته و مطابقت بدهیم.

آخرالزمان

دوره پایانی دنیا و زمان شکل‌گیری ظهور و حکومت حضرت مهدی موعود علیه‌السلام (سلیمان، ۱۳۸۷: ۱۵)

در فرهنگ اسلامی، آخرالزمان، هم دوران نبوت پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم تا وقوع قیامت را شامل می‌شود و هم دوران غیبت و ظهور حضرت مهدی موعود علیه‌السلام را. (تونه‌ای، ۱۳۸۴: ۳۵)

اشراف الساعه

به معنای نشانه‌های برپایی قیامت است. در منابع روایی، از برخی نشانه‌های ظهور،

به‌عنوان نشانه‌های برپایی قیامت یاد شده است. مانند: خروج دجال، آشکارشدن خورشید در ناحیه مغرب، نزول عیسی از آسمان، و... (تونه‌ای، ۱۳۸۴: ۱۰۴)

داعش

تاریخچه پیدایش داعش

به دنبال پیدایش گروه‌های سلفی در بین اهل سنت، در طول تاریخ تفکر سلفی‌گری با گرایش‌ها و برداشت‌های گوناگون از این مکتب، مانند گروه‌های سلفی جهادی مصر با هدف مبارزه با حاکمان ظالم، افغان‌العرب‌ها در افغانستان با هدف مبارزه با ارتش سرخ شوروی و حکومت کمونیستی افغانستان، القاعده با هدف مبارزه با آمریکا و سلفی‌های عراق به رهبری ابومصعب الزرقاوی با هدف مبارزه با شیعیان، از بین زیرشاخه‌های القاعده عراق، گروهی فرقه‌ای موسوم به داعش ظهور کرد که از جهت ایدئولوژی و رفتارگرایی با دیگر هم‌مسلمانان خود، دارای کارکردها شباهت‌ها و تفاوت‌های زیادی بود.

دولت اسلامی عراق و شام که به اختصار داعش (ISIS)^۱ خوانده می‌شود، گروهی مسلح است که با تفکرات سلفی افراطی و تروریستی، در عراق و سوریه حضور فعال دارد و بخش‌هایی از سوریه و عراق را به تصرف خود درآورده است. این گروه به دنبال اختلاف با جبهه النصره در سوریه و حکم ایمن الظواهری^۲ به نفع جبهه النصره، از شبکه القاعده جدا شده و همراه با برخی دیگر گروه‌های شورشی با دولت‌های عراق و سوریه وارد جنگ شده است. پس از کشته شدن «ابوعمر البغدادی» در ۱۹/۴/۲۰۱۰، ابوبکر البغدادی^۳ به‌عنوان جانشین وی معرفی شد.

1. Islamic state of Iraq and Syria (ISIS)

۲. رهبر القاعده پس از بن لادن

۳. ابراهیم عواد ابراهیم علی البدر (ابوبکر البغدادی) در سال ۱۹۷۱ در سامرا به دنیا آمد. در دانشگاه اسلامی بغداد تحصیل کرده و دارای مدرک دکترا است. وی که سابقاً با اسامی دکتر ابراهیم و ابودعاء شناخته می‌شد، یک بار در تلاش برای اینکه خودش را از نسل پیامبر اسلام ﷺ معرفی کند، خود را ابوبکر البغدادی الحسینی الهاشمی القرشی معرفی کرد و هم‌اکنون هم با نام امیرالمؤمنین الخلیفه ابراهیم شناخته می‌شود. بغدادی، در یک پیام صوتی ۱۹ دقیقه‌ای که برای اولین بار از طرف او منتشر می‌شد، خود را «خلیفه» خواند و از مسلمانان جهان خواست تا به مناطق تسخیر شده توسط داعش مهاجرت کنند و در تشکیل یک «دولت اسلامی» او را یاری کنند. ویدیویی منتسب به ابوبکر بغدادی، رهبر دولت اسلامی عراق و شام، در اینترنت منتشر شد که هنوز صحت آن تأیید نشده. ابوبکر البغدادی در این ویدیو، طی خطبه‌ای به مسلمانان حکم کرد که از وی اطاعت کنند: «من ولی امر شما هستم؛ هر چند بهترین شما نیستم اما اگر مرا برحق می‌دانید به من یاری دهید» و در بخش دیگری از این خطبه هم می‌گوید: اگر مرا برحق نمی‌دانید به راه حق برگردانید و تا زمانی که من تابع پرودگار هستم، از من پیروی

با روی کار آمدن ابوبکر البغدادی، دامنه عملیات و حملات این گروه تروریستی وسعت گرفت و همزمان با آغاز بحران در سوریه، عناصر این گروه در سوریه نیز فعال شدند.
(<http://www.daesh.ir>)

داعش با استفاده از پرچم سیاه که در روایات اهل سنت، یادآور خلافت اسلامی است ذهن اهل سنت را به خود جلب کرده است؛ به ویژه این که داعشیان بیشتر، لباس سیاه و لباس افغانی و پاکستانی می پوشند؛ زیرا این امر نیز تداعی گروایتی از اهل سنت می باشد که می گوید:
زمینه سازان ظهور با درفش سیاه از سمت خراسان قیام می کنند. (حاکم نیشابوری، ۱۴۱۱: ج ۴، ۵۱۱)

شاهد این مطلب تصریح ابوحزمه مهاجر و ابوبکر البغدادی در شماره چهارم مجله دابق است که خود را یاران و یاوران مهدی موعود عجل الله فرجه نامیده اند. (مجله دابق، ش ۴، ۱۴۳۵: ۳۵)^۱
به لحاظ اعتقادی این گروه، معتقد به سلفیسم است. این باور جزء اعتقادات سنی مذهب به شمار می رود اما در قالب هیچ یک از چهار فرقه سنی قرار نمی گیرد. در حوزه معرفت شناسی، عقاید داعش بر نقل توجه دارد و عقل را فاقد قدرت شناخت می دانند و در عوض بایستی به قرآن، احادیث و اجماع صحابه بدون اجتهاد توجه کرد. در باب معناشناسی، داعش به ظاهرگرایی توجه دارد و هرگونه تأویل را باطل می داند. این گروه از یک ساختار تشکیلاتی هرم گونه برخوردار است به طوری که سرکرده آن ها در رأس هرم قرار دارد و بقیه فرماندهان و نیروها در قاعده آن قرار می گیرند. تمامی فرماندهان و اعضای مناصب کلیدی توسط شخص خلیفه انتخاب می شود. (حاتمی: ۱۳۹۴: ۶-۹)

داعشیان در جهاد و قرار دادن دابق به عنوان پایگاه جنگی خود، به روایتی از پیامبر مکرم اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ استناد کرده اند که در صحیح مسلم ذکر شده است. (مسلم نیشابوری، ۱۴۲۱: ج ۲۸۹۷)

دابق

معجم البلدان، اثر مؤرخ و جغرافی دان بزرگ و شهیر قرن هفتم قمری ابو عبدالله یاقوت

کنید. از کنیه او می توان نتیجه گرفت که رهبر داعش، خود را به ابوبکر، خلیفه پس از پیامبر و به بغداد پایتخت عراق منتسب می کند. (<https://fa.wikipedia.org/wiki>)

1. I do not doubt for a moment – and Allah knows such – that we are the army that will pass on the banner to the slave of Allah the Mahdī.

حموی است. وی می نویسد:

دابق، آبادی نزدیک حلب از توابع عزاز بوده و فاصله آن و حلب چهار فرسنگ است. بنومروان هنگام جنگ در سرحد مصیصه، آن جا فرود آمده بودند و قبر سلیمان بن عبدالملک نیز آن جاست (حموی، ۱۹۹۵: ۲۷۱)

دابق و الاعماق

دابق نام شهری کوچک در ۳۵ کیلومتری شمال استان حلب در شمال سوریه است که از مرزهای ترکیه ۴۵ کیلومتر فاصله دارد. این ناحیه، شاهد نبرد مرج دابق در سال ۱۵۱۶ میلادی در همین منطقه به پیروزی امپراطوری عثمانی بر مملوکان مصر بوده است. به اعتقاد برخی از مسلمانان (اهل سنت) بر اساس روایتی که در صحیح مسلم (مسلم نیشابوری، ۱۴۲۱: ح ۲۸۹۷) آمده است یکی از مهم ترین جنگ های آخرالزمان در این سرزمین اتفاق می افتد که نتیجه آن پیروزی نهایی مسلمانان بر رومیان (غرب) است.^۱

اما «الاعماق» که در حدیث معروف به دابق آمده، به منطقه ای تابع انطاکیه ترکیه اشاره دارد که به دابق نزدیک است.

اعضای گروه «خلافت اسلامی» در حساب های کاربری خود در سایت های مختلف اینترنت، به حدیث دیگری نیز اشاره می کنند که می گوید، جنگ «بسیار بزرگ» خواهد بود و صدها هزار جنگجو در آن شرکت خواهند کرد. «رومی ها» زیر ۸۰ پرچم که از هر کدام ۱۲ هزار نیرو پیروی می کند، گرد هم خواهند آمد و شمار ارتشی که علیه «مسلمانان» خواهد جنگید، به حدود ۹۶۰ هزار نفر خواهد رسید (baharnews.ir)

پیروان داعش معتقدند که نشانه های این پیشگویی که در حدیث آمده با پیوستن مبارزان غربی به داعش و نیز ائتلاف بین المللی به وجود آمده برای مبارزه با داعش، در حال تحقق است؛ ائتلافی که به سرعت در حال گسترش بوده و با احتمال مداخله ترکیه با مرکزیت

۱. حَدَّثَنِي زُهَيْرُ بْنُ حَرْبٍ، حَدَّثَنَا مَعْلَى بْنُ مَنصُورٍ، حَدَّثَنَا سُلَيْمَانُ بْنُ بِلَالٍ، حَدَّثَنَا شَهْبِيلٌ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ، أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ قَالَ: "لَا تَقُومُ السَّاعَةُ حَتَّى يَنْزِلَ الرُّومُ بِالْأَعْمَاقِ أَوْ بِدَابِقٍ، فَيَخْرُجَ إِلَيْهِمْ جَيْشٌ مِنَ الْمَدِينَةِ، مِنْ خِيَارِ أَهْلِ الْأَرْضِ يَوْمَئِذٍ، فَإِذَا تَصَافَوْا، قَالَتِ الرُّومُ: خَلَوْا بَيْنَنَا وَبَيْنَ الَّذِينَ سَبَّوْنَا مِنَّا نَقَاتِلْهُمْ، فَيَقُولُ الْمُسْلِمُونَ: لَا، وَاللَّهِ لَا نَخْلِي بَيْنَكُمْ وَبَيْنَ إِخْوَانِنَا، فَيَقَاتِلُونَهُمْ، فَيَنْهَزُهُمْ ثَلَاثٌ لَا يَثُوبُ اللَّهُ عَلَيْهِمْ أَبَدًا، وَيُقْتَلُ ثُلُثُهُمْ، أَفْضَلُ الشَّهْدَاءِ عِنْدَ اللَّهِ، وَيُفْتَحُ الثُّلُثُ، لَا يُفْتَنُونَ أَبَدًا فَيَفْتَحُونَ قُسْطَنْطِينَيَّةَ، فَبَيْنَمَا هُمْ يَفْتَسِمُونَ الْعَنَائِمَ، قَدْ عَلَقُوا سُيُوفَهُمْ بِالرَّيْثُونَ، إِذْ صَاحَ فِيهِمُ الشَّيْطَانُ: إِنَّ الْمَسِيحَ قَدْ خَلَقَكُمْ فِي أَهْلِيكُمْ، فَيَخْرُجُونَ، وَذَلِكَ بَاطِلٌ، فَإِذَا جَاءُوا الشَّامَ خَرَجَ، فَبَيْنَمَا هُمْ يُعَدُّونَ لِلْقِتَالِ، يَسُوءُونَ الصُّفُوفَ، إِذْ أُقِيمَتِ الصَّلَاةُ، فَيَنْزِلُ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ ﷺ، فَأَمَّهُمْ، فَإِذَا رَأَهُ عَدُوُّ اللَّهِ، ذَابَ مَا يَذُوبُ الْمَلْحُ فِي الْمَاءِ، فَلَوْ تَرَكَهَ لَأَنْذَابَ حَتَّى يَهْلِكَ، وَلَكِنْ يَقْتُلُهُ اللَّهُ بِيَدِهِ، فَيُرِيهِمْ دَمَهُ فِي حَزْبَتِهِ.

قسطنطنیه (استانبول فعلی) علیه داعش، تقویت می‌شود.

مجله دابق

به علت اهمیت نام دابق نزد داعشیان و هم‌چنین اهمیت تبلیغات و اطلاع‌رسانی و توجیه اقدامات و بیان دیدگاه‌ها، داعش مجله‌ای بین‌المللی را با زبان انگلیسی و با طراحی و گرافیک بالا منتشر می‌کند. اولین شماره این مجله در رمضان ۱۴۳۵ و پانزدهمین (آخرین) شماره آن در شوال ۱۴۳۷ منتشر شده است. نسخه الکترونیکی آن از طریق ایمیل برای هواداران ارسال شده و نسخه چاپی آن در مناطق تحت اشغال توزیع می‌شود.

برخی از نکاتی که با تحلیل این مجله به دست می‌آید از این قرار است:

۱. وجه نام‌گذاری مجله به نام دابق، برگرفته از حدیث معروف نبوی است و اشاره به اهمیت استراتژیکی - اعتقادی این نام و منطقه در دیدگاه داعش دارد؛
۲. دعوت به اعلام وفاداری به داعش از کسانی که امکان هجرت ندارند؛
۳. اشاره به احادیث هجرت و لزوم هجرت (سفر مذهبی) از سراسر دنیا، جهت پیوستن به داعش با تخصص‌های گوناگون؛
۴. استفاده از عکس کشتی نوح عَلَيْهِ السَّلَام به عنوان سمبلی برای اشاره به این که تنها راه نجات، در دریای متلاطم دنیای امروز، خلافت اسلامی داعش است؛
۵. اشاره به ممهّد بودن داعش برای مهدی موعود ع؛
۶. معرفی داعش به عنوان یک حکومت با ایدئولوژی و پشتوانه فکری، جهت القای غیر تروریستی بودن خود و از میدان به در کردن رقبای خود؛
۷. به تصویر کشیدن فعالیت‌های عمرانی در رقه در کنار فعالیت‌های مذهبی، در جهت کارآمد نشان دادن فراگیر داعش؛
۸. با نوشتن مقاله «مفهوم امامت به معنای روش ابراهیمی است» به این نکته اشاره می‌کنند که زعامت دینی و سیاسی، هر دو بایستی در یک نفر جلوه‌گر باشد؛ و آن فرد امام امت است؛
۹. اشاره با نام قبائل طرفدار و حامی داعش با هدف تحریص و ترغیب دیگر قبائل با وعده تأمین امنیت و غذا و مایحتاج آن‌ها و اجرای قوانین؛
۱۰. بیان مسئله خلافت، پیشینه و فلسفه آن؛
۱۱. معرفی رهبران فکری - عملیاتی داعش؛

۱۲. منحرف دانستن دیگر رهبران حرکت‌های اسلامی مانند اسماعیل هنیه؛
۱۳. بیان صحبت‌های دشمنان خلافت اسلامی و تفسیر آن به رعب و وحشت دشمنان از قدرت داعش؛
۱۴. توجیه نمودن غارت‌ها، کشتارها و خونریزی‌ها با نام دین و مذهب؛
۱۵. ادعاهای تکراری بر علیه ایران، حزب‌الله و روسیه؛
۱۶. استفاده بیشتر از نمادها و روایات مهدویت (<http://www.tabnak.ir>).

دابق در تاریخ اسلام

با بررسی تاریخ دابق مشخص می‌شود که برخی از حاکمان اسلامی در سده‌های اول اسلام، لشکرکشی‌هایی از این منطقه به قصد جنگ با روم و تصرف آن داشته‌اند. بهترین و معتبرترین منبع تاریخی اهل سنت در این زمینه، کتاب تاریخ ابن جریر طبری می‌باشد. طبری ذیل حوادث سال ۹۸ می‌نویسد:

زمانی که سلیمان (بن عبدالملک) به حکومت رسید، قصد جنگ با روم را کرد و در دابق فرود آمد... تصمیم قطعی سلیمان، فتح قسطنطنیه و روم بود (طبری، ۱۴۱۸: ج ۸، ۷۳). خلیفه، تحت فرماندهی برادرش «مسلمه»، نیروی ۱۸۰ هزار نفری را از مردم شام، جزیره و موصل علاوه بر ۱۸۰۰ قایق (طقوش، ۱۳۸۴: ۱۷۰؛ به نقل از العیون و الحدایق فی اخبار الحقائق: ۳۵) فراهم کرد و از او پیمان گرفت تا زمانی که سپاهیان وارد قسطنطنیه نشده، باز نگردد. با نیرنگ رومیان، لشکر اسلام به فرماندهی مسلمه، برادر سلیمان پس از محاصره قسطنطنیه و روم، دچار قحطی و گرسنگی شد به گونه‌ای که همه چیز غیر از خاک را می‌خوردند و سلیمان که در دابق بود و گرفتار سرمای شدید زمستان شده بود، از کمک به لشکرش عاجز ماند و لشکرش شکست خورد. سلیمان هم در دابق مرد و همانجا دفن شد. (طبری، ۱۴۱۸: ج ۸، ۷۳-۷۲)

نام یکی دیگر از خلفایی که در شمار جنگ‌آوران با روم آمده است، مهدی عباسی سومین خلیفه عباسی است. مهدی به رغم روحیه صلح جویانه‌ای که داشت، وقتی متوجه سرکشی و حمله رومی‌ها به سرحدات اسلامی شد، لشکری مهیا ساخت و یکبار به فرماندهی غلامش «صغیر» و یکبار به فرماندهی عمویش «عباس بن محمد» به روم حمله کرد.

در سال ۱۶۵ خود خلیفه برای حمله به روم، عازم حلب شد و فرماندهی لشکرش را به فرزندش هارون داد، هارون با پیروزی و غنائم فراوان و اسیران زیاد بازگشت؛ به همین خاطر مهدی لقب الرشید را به او داد. مامون عباسی نیز در سال ۲۱۵ بعد از عبور از دابق، وارد روم شد

و در سال ۲۱۶ بار دیگر به روم حمله کرد. (طبری، ۱۴۱۸: ج ۱۱، ۳۱)
 تهاجم به روم یا تدافع در برابر آن در دوران حکومت عباسی، امری مستمر بوده ولی آن چه
 که در تاریخ نقل شده شکست‌های جبران‌ناپذیر روم در برابر خلفای مقتدری همچون
 هارون الرشید و معتصم بوده است.

این مقاله حوصله و گنجایش بیشتر بررسی تاریخی رفتار و رابطه متقابل خلفای اسلامی و
 روم را ندارد. لذا به همین مقدار بسنده می‌کنیم که همواره حمله به روم و تصرف آن از طریق
 دابق یا غیر آن مورد نظر و عمل خلفای اسلامی بوده است.

یکی از نکات جالب درباره تاریخ دابق، به خلافت رسیدن و بیعت کردن برخی از خلفا در این
 منطقه است. یکی از کسانی که در دابق به خلافت رسید، عمر بن عبدالعزیز است. این خلافت
 بنا به وصیت سلیمان بود که در نامه‌ای در بسته بود و قبل از مرگش از بنی‌امیه برای او بیعت
 گرفته بود. با مرگ سلیمان، رجاء بن حیوة، بار دیگر برای خلیفه نامعلوم از بزرگان بنی‌امیه
 بیعت گرفت و نامه سلیمان را باز کرد و نام خلیفه جدید را آشکار کرد. خلافت عمر چندان طول
 نکشید و عمر بن عبدالعزیز نیز دستور داد مکان قبرش را در دیر سمعان خریداری کردند و
 همان جا او را به خاک سپردند. (طبری، ۱۴۱۸: ج ۶، ۵۷۲)

تلویزیون دابق

از آن جایی که نام دابق نزد داعش از اهمیت بالایی برخوردار است، داعش در تبلیغات خود
 بیشترین بهره‌برداری را از این نام کرده و شبکه‌ای تلویزیونی - ماهواره‌ای به کمک کارشناسان
 عربستانی در موصل به همین نام تاسیس کرده است.^۱
 با همکاری رسانه‌های دولتی سعودی و قطر، شبکه عرب‌زبان دولت اسلامی خلیفه‌گری
 سنی عراق و شام افتتاح شد. این شبکه از موصل پخش می‌شود و یک شبکه استانی
 محسوب می‌شود.^۲

بازشناسی روایت دابق در منابع روایی

این روایت در منابع روایی شیعه وجود نداشته و فقط در منابعی از اهل سنت مانند صحیح
 مسلم آمده است. این روایت در برخی دیگر از منابع حدیثی سنی نیز با همین عبارت و یا با

۱. <http://www.seratnews.ir/fa/news/187024/> شبکه تلویزیونی داعش روی آنتن می‌رود

۲. <http://atro.rozblog.com/news/105>

مضامین آن آمده است که در بخش روایات مرتبط، به آن‌ها اشاره خواهیم کرد. روایت را مسلم این‌گونه نقل می‌کند:

حَدَّثَنِي زُهَيْرُ بْنُ حَرْبٍ، حَدَّثَنَا مُعَلَّى بْنُ مُنْصُورٍ حَدَّثَنَا سُلَيْمَانُ بْنُ بِلَالٍ، حَدَّثَنَا سُهَيْلٌ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ، أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ، قَالَ: "لَا تَقُومُ السَّاعَةُ حَتَّى يَنْزِلَ الرُّومُ بِالْأَعْمَاقِ أَوْ بِدَابِقٍ، فَيَخْرُجُ إِلَيْهِمْ جَيْشٌ مِنَ الْمَدِينَةِ، مِنْ خِيَارِ أَهْلِ الْأَرْضِ يَوْمَئِذٍ، فَإِذَا تَصَافَوْا، قَالَتِ الرُّومُ: خَلَوْا بَيْنَنَا وَبَيْنَ الَّذِينَ سَبَّوْنَا نُنْقَاتِلُهُمْ، فَيَقُولُ الْمُسْلِمُونَ: لَا، وَاللَّهِ لَا نُخَلِّي بَيْنَكُمْ وَبَيْنَ إِخْوَانِنَا، فَيَقَاتِلُونَهُمْ، فَيَمُتُّهُمْ ثَلَاثٌ لَا يُثُوبُ اللَّهُ عَلَيْهِمْ أَبَدًا، وَيَقْتُلُ ثُلُثَهُمْ، أَفْضَلَ الشُّهَدَاءِ عِنْدَ اللَّهِ، وَيَفْتَتِحُ الثُّلُثُ، لَا يَفْتَتِحُونَ أَبَدًا فَيَفْتَتِحُونَ قُسْطَنْطِينَيَّةَ، فَبَيْنَمَا هُمْ يَقْتَسِمُونَ الْعَنَائِمَ، قَدْ عَلَقُوا سُيُوفَهُمْ بِالزَّبِيثُونَ، إِذْ صَاحَ فِيهِمُ الشَّيْطَانُ: إِنَّ الْمَسِيحَ قَدْ خَلَفَكُمْ فِي أَهْلِيكُمْ، فَيَخْرُجُونَ، وَذَلِكَ بَاطِلٌ، فَإِذَا جَاءَ وَالشَّامُ خَرَجَ، فَبَيْنَمَا هُمْ يَبْعُدُونَ لِقَاتِلِ، يَسُورُونَ الصُّفُوفَ، إِذْ أُقِيمَتِ الصَّلَاةُ، فَيَنْزِلُ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ ﷺ، فَأَمَّهُمْ، فَإِذَا رَأَهُ عَدُوُّ اللَّهِ، ذَابَ مَا يَذُوبُ الْمَلْحُ فِي الْمَاءِ، فَلَو تَرَكَهُ لَأَنْدَابَ حَتَّى يَهْلِكَ، وَلَكِنْ يَقْتُلُهُ اللَّهُ بِيَدِهِ، فَيَرِيهِمْ دَمَهُ فِي حَرْبَتَيْهِ. (مسلم نیشابوری، ۱۴۲: ح ۲۸۹۷)

تحلیل و بررسی روایت دابق

این روایت را از دو منظر یعنی منبع و سند مورد واکاوی قرار می‌دهیم:

منبع

از جهت بررسی منبع روایت باید گفت که منبع اصلی روایت که کتاب صحیح مسلم باشد در بین اهل سنت از جایگاه و اعتبار بالایی برخوردار است به گونه‌ای که برخی از عامه آن را اولین و برخی دیگر دومین منبع معتبر حدیثی اهل سنت می‌دانند؛ ولی همواره این نظریه مخالفین خاص خود را هم داشته است.

نووی در مقدمه کتاب شرح مسلم می‌نویسد:

ادعای مسلم مبنی بر جمع‌آوری روایاتی که جمهور اهل سنت بر صحت آن اتفاق نظر دارند، سخن گزافی است، زیرا وی در کتاب خود روایاتی را که راویان آن‌ها افراد موثق و مورد اطمینان نبوده و در صحت روایات آن‌ها بین علما اختلاف است، گردآوری کرده است. (نووی، ۱۳۹۲: ج ۱، ۲۵)

ابن حجر عسقلانی از علمای مطرح و سرشناس عامه می‌نویسد:

بخاری در کتاب خود صد و ده حدیث معلل (یعنی مشکل‌دار) و ضعیف و مخدوش را نقل

کرده است، سی و دو حدیث از همین احادیث ضعیف در کتاب مسلم نیز نقل شده است.
(عسقلانی، ۱۳۷۹: ج ۱، ۳۴۶)

سند

ذهبی رجال شناس مطرح اهل سنت درباره راویان این حدیث، ذیل نام هر کدام درباره مقام و موقعیت و اعتبار و... آن‌ها بحث و آن‌ها را تایید کرده است:

أَبُو خَيْثِمَةَ زُهَيْرُ بْنُ حَرْبٍ بْنِ شَدَادٍ الْحَرَشِيُّ: الْحَافِظُ، الْحَجَّةُ، أَحَدُ أَعْلَامِ الْحَدِيثِ. (ذهبی،
۱۴۰۵: ج ۱، ۴۸۹)^۱

مُعَلَّى بْنُ مَنْصُورٍ الرَّازِي أَبُو يَعْلَى الْحَنْفِيُّ: الْعَلَامَةُ، الْحَافِظُ، الْفَقِيهُ. (همو: ج ۱۰، ۳۶۵)^۲
سَلِيمَانُ بْنُ بِلَالٍ الْقُرَشِيُّ النَّيْمِيُّ مَوْلَاهُمْ: الْإِمَامُ، الْمُفْتَى، الْحَافِظُ، أَبُو مُحَمَّدٍ النَّيْمِيُّ. (همو:
ج ۷، ۴۲۵)^۳

سَهِيلُ بْنُ أَبِي صَالِحٍ الْمَدَنِيُّ: الْإِمَامُ، الْمُحَدِّثُ الْكَبِيرُ، الصَّادِقُ، أَبُو يَزِيدَ الْمَدَنِيُّ. (همو: ج
۵، ۴۵۸)^۴

أَبُو صَالِحٍ السَّمَانُ ذُكْوَانُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ: الْقُدْوَةُ، الْحَافِظُ، الْحَجَّةُ، ذُكْوَانُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ مَوْلَى أُمِّ
الْمُؤْمِنِينَ جُوَيْرِيَةَ الْغَطَفَانِيَّةِ. كَانَ مِنْ كِبَارِ الْعُلَمَاءِ بِالْمَدِينَةِ. (همو: ج ۵، ۳۶)^۵

أَبُو هُرَيْرَةَ الدَّوْسِيُّ عَبْدُ الرَّحْمَنِ بْنُ صَخْرٍ: الْإِمَامُ، الْفَقِيهُ، الْمُجْتَهِدُ، الْحَافِظُ، صَاحِبُ رِسْوَلِ
اللَّهِ ﷺ، سَيِّدُ الْحَفَاطِ الْأَثْبَاتِ. اخْتَلَفَ فِي اسْمِهِ عَلَى أَقْوَالٍ جَمَّةٍ، أَرْجَحُهَا: عَبْدُ الرَّحْمَنِ بْنُ
صَخْرٍ. (همو: ج ۲، ۵۷۸)^۶

محدث: کسی که روایتی را نقل کرده و به درایت آن توجه داشته است.

حافظ: کسی که صد هزار حدیث را همراه با متن و سند با طرق متعدد حفظ باشد.

حجت: کسی که سیصد هزار حدیث را همراه با متن و سند حفظ باشد.

۱. ابو خثیمه زهیر بن حرب بن شداد حرشی: حافظ، حجت و یکی از بزرگان حدیث است.

۲. معلی بن منصور رازی ابو یعلی حنفی: علامه، حافظ و فقیه است.

۳. سلیمان بن بلال قرشی تیمی مولای آنها: امام، صاحب فتوا، حافظ، ابو محمد تیمی است.

۴. سهیل بن ابی صالح مدنی: امام، محدث بزرگ، صادق، ابویزید مدنی است.

۵. ابوصالح سمان ذکوان بن عبدالله، الگو، حافظ، حجت، مولی ام المومنین جویریة غطفانیة و از بزرگان دانشمندان مدینه است.

۶. ابوهریره دوسی عبدالرحمن بن صخر: امام، فقیه، مجتهد، حافظ، صحابی پیامبر خداوند سرور حافظان ثابت است. درباره نام او اختلاف شده است، بهترین آنها عبدالرحمن بن صخر است.

حاکم: کسی که اشراف به تمام روایات داشته باشد. (عبدالرؤوف، ۱۹۹۹ق: ج ۲، ۴۲۱)

هرچند، رجال و روایات مسلم به صورت عام نزد برخی از علمای اهل سنت معتبرند ولی با مراجعه به برخی از رجالیون سنی، مشخص می‌شود که درباره وثاقت و اعتبار برخی از راویان سکوت کرده و نکته‌ای را له یا علیه آنان متذکر نشده‌اند و درباره عدم اعتبار برخی از راویان سخن گفته‌اند.

در بین راویان این روایت، درباره اعتبار یا عدم اعتبار معلى بن منصور بحث شده و نظر برخی از مخالفین مانند احمد بن حنبل، پیشوای حنبلیان، بر عدم اعتبار وی ذکر شده است:

ابوطالب گفت: از احمد بن حنبل درباره معلى بن منصور سوال کردم، جواب داد: او طبق رای (خودش) حدیث می‌کرد و هر روز در دو سه حدیث اشتباه می‌کرد. (ذهبی، ۱۴۰۵: ج ۱۰، ۳۶۶)

عبدالحق در الاحکام از احمد (بن حنبل) نقل کرده که او (معلى بن منصور) را متهم به کذب می‌کرد. (محمدخلیل، ۱۴۱۷: ج ۳، ۳۷۸)

ابوهریره هم مورد مناقشه رجالیون سنی در صحت نقل حدیث و جعل آن است. نقل روایات فراوان علیرغم حضور کوتاه مدت ابوهریره نزد پیامبر خدا ﷺ دور از واقعیت به نظر می‌رسد؛ شخصیت ابوهریره به عنوان یک دروغگو و هذیان گو و والی معزول و تهدید شده به خاطر روایاتش و... مطرح است.^۱

سهیل بن ابی صالح نیز از طرف یحیی بن معین و ابن عدی مورد ضعف و طعن قرار گرفته است. (ابن عدی، ۱۴۰۹: ج ۳، ۴۷۷؛ ذهبی، ۱۳۸۲ق: ج ۲، ۲۴۳)

این روایت را ابوعمر الدانی از طریق مسلم و از طریق عبیدالله بن محمد العمری در السنن الواردة فی الفتن نقل کرده است. (الدانی، ۱۴۱۶: ج ۶، ۱۱۱۴) حاکم در مستدرک به صورت مرفوع از طریق حسن بن علی بن زیاد الشُّری الطاحونی الرازی نقل کرده است. (حاکم نیشابوری، ۱۴۱۱: ج ۴، ۵۲۹) و ابن حجر در اتحاف المهره چند طریق دیگر را نقل می‌کند (عسقلانی، ۱۴۱۵: ج ۱۴، ۵۷۶)

۱. رک: تذکره الحفاظ ج ۱ ص ۳۶ و تاریخ الإسلام ذهبی ج ۴ ص ۳۵۶ و سیر أعلام النبلاء ج ۲ ص ۶۱۳؛ الکامل، لابن الأثیر، حوادث سال ۲۳ و الطبقات الطکبری، ابن سعد، ج ۴، ص ۳۳۵ و صحیح مسلم ج ۳ ص ۱۶۶۰ ش ۲۰۹۸ و الجمع بین الصحیحین ج ۳ ص ۱۲۳ و فیض القدیر ج ۱ ص ۳۰۸؛ جامع بیان العلم وفضله (ابن عبد البر) ج ۲ ص ۱۵۴؛ تاریخ مدینة دمشق ج ۶۷ ص ۳۵۲ - التمهید لابن عبد البر ج ۹ ص ۲۸۹ - طرح التثریب فی شرح التقریب ج ۸ ص ۱۱۴

این روایت و برخی روایات دیگر را فقط سهیل از ابوهریره نقل کرده و شاید به خاطر همین مسئله بوده که بخاری به او اعتماد نکرده و فقط روایات متابع^۱ و شواهد را از او نقل می‌کند برخلاف مسلم که هم در اصول و هم در شواهد از سهیل روایت نقل می‌کند. از جمله احادیثی که فقط سهیل از ابوهریره نقل کرده حدیث:

لَا تَقُومُ السَّاعَةُ حَتَّى يَنْزِلَ الرُّومُ بِالْأَعْمَاقِ أَوْ بِدَابِقٍ، وَحَدِيثٌ: لَا تَقُومُ السَّاعَةُ حَتَّى تَعُودَ أَرْضُ الْعَرَبِ مُرُوجًا وَأَنْهَارًا وَحَدِيثٌ: لَا تَقُومُ السَّاعَةُ حَتَّى يَنْظُرَ النَّاسُ مَطَرًا، وَحَدِيثٌ: لَا تَقُومُ السَّاعَةُ حَتَّى يَتَقَارَبَ الزَّمَانُ، فَتَكُونَ السَّنَةُ كَالشَّهْرِ...!»^۱

که همه آن‌ها درباره یک موضوع است؛ می‌باشد. نقل این روایات با وجود این که ابوهریره همراه و یاران زیادی داشته و شخص دیگری از او نقل نکرده است، مشکوک به نظر می‌رسد.

از جمله طعن‌هایی که بر سهیل وارد می‌شود این است که در آخر عمرش دچار بیماری شده و بخشی از احادیثش را فراموش کرد. (طرابلسی، ۱۹۸۸: ج ۱، ۱۶۴) بخاری حدیثش را در صحیحش نقل نکرده و فقط روایاتش را در شواهد آورده است.

در مجموع با توجه به ضعف‌های مذکور، به نظر می‌رسد سند حدیث ضعیف و غیرقابل اعتنا می‌باشد.

شرح حدیث

شرح حدیث دابق در شرح مسلم

شرح نووی بر صحیح مسلم که مشهورترین شرح بر صحیح مسلم است. وی ذیل این حدیث این‌گونه می‌نویسد:

... اعماق و دابق دو موضع در شام نزدیک حلب هستند. کلمه سیوا به دو صورت، با فتحه و ضمه سین و باء روایت شده است؛ به نظر من هر دو صحیح است زیرا مسلمانان در مرتبه اول اسیر شدند سپس کفار را اسیر کردند. و این در زمان ما هم وجود دارد، بلکه بخش اعظم لشکرهای اسلام در سرزمین شام و مصر اسیر شدند سپس آن‌ها بحمدالله بارها در زمان ما کفار را اسیر کردند؛ قول پیامبر ﷺ که فرمود: یک سوم شکست می‌خورند و خدا توبه آنان را نمی‌پذیرد یعنی خدا توبه را به دل آنان نمی‌اندازد (توفیق توبه به آنان

۱. حدیث متابع و شاهد بیشتر از آن جهت که مؤید مضمون حدیث دیگری است، مورد توجه قرار می‌گیرد، لذا صحت حدیث زیاد ملحوظ نیست و اگر مضمون حدیث مفرد به سلسله سند دیگری نقل شود، آن را «شاهد» نامند.

نمی‌دهد). (نووی، ۱۴۰۷: ج ۱۸، ۲۱)

قول پیامبر ﷺ که فرمود: «قسطنطیه را فتح می‌کنند»، آن شهر مشهوری از بزرگ‌ترین شهرهای روم است.
شیخ دکتر خالد الحایک^۱ می‌گوید:

علی القاری در مرقاه المفاتیح می‌نویسد: ابن‌الملک می‌گوید: مراد از مدینه، حلب است و اعماق و دابق دو موضع نزدیک به آن هستند. و گفته شده مراد از آن، دمشق است. در الازهار گفته: اما آن چه گفته شده که منظور از آن، مدینه‌النبی باشد ضعیف است زیرا مراد از لشکری که به سوی روم حرکت می‌کند (به دلیل آخر حدیث) لشکر مهدی است و مدینه منوره در آن زمان خراب شده است.

توربشتی می‌گوید:

ظاهراً این قول که رومیان می‌گویند «کسانی را که از ما اسیر شده‌اند به ما بدهید»، بعد از کشتار بزرگی است که بین دو گروه بعد از پیمان صلح و عمل به آن در جنگ مشترک با دشمنی که متوجه مسلمانان شده است؛ می‌باشد و این قبل از فتح قسطنطنیه می‌باشد. بعد از آن رومیان وارد سرزمین عرب شده تا این که به اعماق یا دابق می‌رسد و از مسلمانان می‌خواهند که کسانی را که از نسل آنان اسیر شده‌اند به آنان بدهند اما جواب مسلمانان این است که نه به خدا قسم آن‌ها را واگذار نمی‌کنیم؛ پس مسلمانان با کفار می‌جنگند. «یک سوم از آن‌ها شکست می‌خورند» کنایه از مرگشان همراه با کفر و عذاب ابدی آن‌هاست. قسطنطنیه، شهری مشهور از بزرگ‌ترین شهرهای روم است. ترمذی گفته: قسطنطنیه در زمان برخی از یاران پیامبر ﷺ فتح شده و هنگام خروج دجال نیز فتح خواهد شد.

حدیث درباره آمدن روم به دابق یا اعماق، غریب و از منفرات سهل بن ابی صالح از پدرش از ابوهریره است. اصل این است که زمانی که لفظ «مدینه» در حدیث به صورت مطلق آورده شود مراد از آن مدینه نبوی است. نظر علی القاری این بود که منظور از مدینه، حلب بوده و در آن زمان مدینه‌النبی خراب شده است؛ اما این صحیح نیست زیرا حدیثی که درباره خراب شدن مدینه وارد شده است، صحیح نیست و از منکرات عبدالرحمن بن ثابت بن ثویان است. (<http://www.addyaiya.com>)

۱. متولد اردن در سال ۱۳۸۹ق از نسل جعفر برادر امام حسن عسکری علیه السلام می‌باشد. از مدافعین منهج سلف بوده و با اینکه مسلم و بخاری را بسیار تعظیم می‌کند ولی در مباحث علمی آنچه را که حق تشخیص می‌دهد می‌پذیرد. وی صاحب مقالات و آثاری متعدد در زمینه حدیث و... می‌باشد. <http://www.addyaiya.com>

روایات مرتبط (هم‌خانواده) با دابق

هدف از آوردن روایات هم‌خانواده، فهم بهتر، دقیق‌تر و کامل‌تر روایت اصلی است. در مواردی که فهم یک روایت به خاطر دور بودن از ذهن یا واقعیت، مشکل باشد یکی از راه‌های درک درست منظور آن روایت، قرار دادن آن روایت در کنار روایات هم‌خانواده آن است. ذیل این عنوان، برخی از روایاتی را که درباره اشراط الساعة و آخرالزمان در منابع اهل سنت آمده ذکر می‌کنیم:

روایت اول

وعن أبي هريرة أيضا رضى الله عنه؛ قال: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: يجيش الروم على وال من عترقي، اسمه يواطئ اسمي، فيلقتون بمكان يقال له: الاعماق، فيقتلون، فيقتل من المسلمين الثلث أو نحو ذلك، ثم يقتلون يوماً آخر، فيقتل من المسلمين نحو ذلك، ثم يقتلون اليوم الثالث، فيكون على الروم، فلا يزالون حتى يفتحو القسطنطينية، فبينما هم يقتسمون فيها بالأترسة؛ إذ أتاهم صارخ أن الدجال قد خلفكم في ذرايركم؛ (تويرجی، ۱۴۱۴: ج ۱، ۳۹۷)

ابوهریره گفت: رسول خدا فرمود: روم بر فرمانداری از خاندان من لشکرکشی می‌کند؛ اسم او همانند اسم من است؛ در مکانی که به آن اعماق می‌گویند با هم برخورد می‌کنند و می‌جنگند؛ یک سوم یا مانند آن از مسلمان‌ها کشته می‌شوند. روزی دیگر با هم می‌جنگند و همان تعداد از مسلمانان کشته می‌شوند، روز سوم با هم می‌جنگند پس بر روم پیروز می‌شوند تا این که قسطنطنیه را فتح می‌کنند. زمانی که در اترسه غنائم را تقسیم می‌کنند نداده‌های اعلام می‌کند (فریاد می‌زند) دجال جانشین شما در خاندان تان شده است.

روایت دوم

حَدَّثَنَا قُتَيْبَةُ بْنُ سَعِيدٍ، حَدَّثَنَا جَرِيرٌ عَنْ عَبْدِ الْمَلِكِ بْنِ عُمَيْرٍ، عَنْ جَابِرِ بْنِ سَمُرَةَ، عَنْ نَافِعِ بْنِ عُتْبَةَ، قَالَ: كُنَّا مَعَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، فِي غَزْوَةٍ، قَالَ: فَأَتَى النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، قَوْمٌ مِنْ قِبَلِ الْمُعَرَّبِ، عَلَيْهِمْ ثِيَابُ الصُّوفِ، فَوَافَقُوهُ عِنْدَ أَكْمَةِ، فَأَتَتْهُمْ لِقِيَامُ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَاعِدٌ، قَالَ: فَقَالَتْ لِي نَفْسِي: ائْتِهِمْ فَكَمْ بَيْنَهُمْ وَبَيْنَهُ لَا يَغْتَالُونَهُ، قَالَ: ثُمَّ قُلْتُ: لَعَلَّهُ نَجَى مَعَهُمْ، فَأَتَيْتُهُمْ فَكَمْتُ بَيْنَهُمْ وَبَيْنَهُ، قَالَ: فَحَفِظْتُ مِنْهُ أَرْبَعَ كَلِمَاتٍ، أَعُدُّهُنَّ فِي يَدِي، قَالَ: «تَغْزُونَ جَزِيرَةَ الْعَرَبِ فَيَفْتَحُهَا اللَّهُ، ثُمَّ فَارِسَ فَيَفْتَحُهَا اللَّهُ، ثُمَّ تَغْزُونَ الرُّومَ فَيَفْتَحُهَا اللَّهُ، ثُمَّ تَغْزُونَ الدَّجَالَ فَيَفْتَحُهَا اللَّهُ» قَالَ: فَقَالَ نَافِعٌ: يَا جَابِرُ، لَا تَرَى الدَّجَالَ يُخْرُجُ، حَتَّى تُفْتَحَ الرُّومُ؛ (مسلم نیشابوری، ۱۴۲۱: ۱۱۱)

(۱۱۱)

جابر بن سمره از نافع بن عتبه نقل کرده: در جنگی همراه رسول گرامی اسلام ﷺ بودیم؛ قومی از سمت مغرب که لباسی از صوف برتن داشتند بر نبی مکرم ﷺ وارد شدند. با آن‌ها کنار تپه‌ای موافقت کردند؛ آن‌ها ایستاده و پیامبر خدا ﷺ نشستند؛ نافع گفت: به خود گفتم برو بین آن‌ها و پیامبر بایست تا پیامبر را ترور نکنند. سپس گفتم شاید با آن‌ها نجات بخشی باشد. آدمم و بین آن‌ها و پیامبر ایستادم و از او چهار جمله حفظ کردم که آن‌ها را می‌شمارم فرمود: با جزیره العرب می‌جنگید و خدا آن را فتح می‌کند، سپس با فارس می‌جنگید و خدا آن را فتح می‌کند، سپس با روم می‌جنگید و خدا آن را فتح می‌کند، بعد از آن با دجال می‌جنگید و خدا آن را فتح می‌کند. نافع گفت: ای جابر! دجال خروج نمی‌کند تا روم فتح شود.

روایت سوم

قَالَ صَفْوَانُ: وَحَدَّثَنِي شُرَيْحُ بْنُ عُبَيْدٍ، وَسَلِيمُ بْنُ عَامِرِ الْحَبَائِرِيِّ، أَنَّ كَعْبًا، كَانَ يَقُولُ: "إِذَا كَانَتِ الْمَلْحَمَةُ الْعُظْمَى مَلْحَمَةَ الرُّومِ هَرَبْتَ مِنْكُمْ ثَلَاثَةً فَلَحِقْتُ بِالْعَدُوِّ وَخَرَجْتُ ثَلَاثَةً أُخْرَى فَأَسْلَمْتُكُمْ، خَسَفَ اللَّهُ بِبَعْضِهِمْ، وَبَعَثَ عَلِيٌّ مَنْ بَقِيَ مِنْهُمْ طَيْرًا يَخْطِفُ أَبْصَارَهُمْ، ثُمَّ تَبَقَى الثَّلَاثَةُ الْبَاقِيَّةُ، فَيَا عِبَادَ اللَّهِ، مَنْ أَدْرَكَ ذَلِكَ مِنْكُمْ فَعَلَبْتُهُ نَفْسُهُ عَلَى الْجُبْرِ فَلْيَدْخُلْ تَحْتَ إِكْفَاهِ أَوْ يَمْسِكْ بِعَمُودِ فُسْطَاطِهِ، وَلْيَصْبِرْ؛ فَإِنَّ اللَّهَ تَعَالَى نَاصِرُ الثَّلَاثَةِ الْبَاقِيَّةِ، وَذَلِكَ حِينَ يَسْتَضِعُّكُمْ الرُّومُ، وَيَطْمَعُونَ فِيكُمْ، يَقُولُ صَاحِبُ الرُّومِ: إِذَا أَصْبَحْتُمْ فَارْكَبُوا ذَاتَ حَافِرٍ مِنَ الدَّوَابِّ، ثُمَّ أَوْطُواهُمْ وَطَنَةً وَاحِدَةً، لَا يَذْكُرُ هَذَا الدِّينَ فِي الْأَرْضِ أَبَدًا، يَعْنِي الْإِسْلَامَ؛ (ابن حماد، ۱۴۱۲: ج ۲، ۴۶۷)

کعب می‌گفت: وقتی کشتار عظیم، جنگ با روم باشد یک سوم از شما فرار کرده و به دشمن ملحق می‌شوند؛ یک سوم دیگر خروج می‌کنند و شما را تسلیم می‌کنند. خدا برخی از آنان را در زمین فرو می‌برد و بر بقیه آن‌ها پرنده‌ای را می‌فرستد تا چشمانشان را کور کند. یک سوم باقی می‌مانند. ای بندگان خدا کسی از شما که آن را درک کند و نفسش او را بر جبر پیروز کند، داخل در پناهگاهش شود یا به ستون خیمه‌اش متمسک شود و باید صبر کند. همانا خدا یک سوم باقیمانده را نصرت می‌بخشد. و این هنگامی است که روم شما را به ضعف کشانده و در شما طمع کرده است؛ حاکم روم می‌گوید: وقتی صبح شد سوار بر مرکب‌های سم‌دار شوید و همه آن‌ها را یک دفعه لگدمال کنید (از بین ببرید) تا نامی از این دین یعنی اسلام برده نشود.

روایت چهارم

حَدَّثَنَا بَقِيَّةُ، عَنْ صَفْوَانَ، عَنْ شُرَيْحِ بْنِ عُبَيْدٍ، عَنْ كَعْبٍ، قَالَ: «تَكُونُ وَقْعَةٌ بِيَأْفَا، يَقَاتِلُهُمُ الْمُسْلِمُونَ يَوْمَ الْأَرْبَعَاءِ وَالْحَمِيسِ وَالْجُمُعَةِ وَالسَّبْتِ وَالْأَحَدِ، ثُمَّ يَفْتَحُ اللَّهُ

لِلْمُسْلِمِينَ يَوْمَ الْاِثْنَيْنِ. قَالَ صَفْوَانُ: فَسَأَلْتُ عَنْ ذَلِكَ خَالِدَ بْنَ كَيْسَانَ فَقَالَ: حَدَّثَنِي أَبِي قَالَ: "إِذَا هَزَمَ اللَّهُ الرُّومَ مِنْ يَافَا سَارُوا حَتَّى يَجْتَمِعُوا بِالْأَعْمَاقِ، فَتَكُونُ الْمَلْحَمَةُ مَلْحَمَةُ الْأَعْمَاقِ"؛ (همو: ج ۲، ۴۶۸)

صفوان از شریح بن عبید از کعب نقل کرده که گفت: واقعه‌ای در یافا به وقوع خواهد پیوست که در آن مسلمانان با آن‌ها روز چهارشنبه و پنج‌شنبه و جمعه و شنبه و یک‌شنبه می‌جنگند؛ سپس خداوند روز دوشنبه برای مسلمین پیروزی می‌آورد. صفوان گفت: درباره آن از خالد بن کيسان پرسیدم؛ وی گفت: پدرم برای من حدیث نقل کرد که: هنگامی که خداوند روم را از یافا شکست دهد، حرکت می‌کنند تا این که به اعماق برسند؛ پس جنگ، جنگ اعماق خواهد بود.

روایت پنجم

حَدَّثَنَا أَبُو الْمُغِيرَةِ، عَنِ ابْنِ عِيَّاشٍ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ دِينَارٍ عَنْ كَعْبٍ، قَالَ: إِنَّ لِلَّهِ تَعَالَى فِي الرُّومِ ثَلَاثَ دَبَائِحَ، أَوْلَهُنَّ الْيَرْمُوكُ، وَالثَّانِيَةُ فِينَقَسَ، يَعْنِي التَّمْرَةَ، وَهِيَ حِمصٌ، وَالثَّلَاثَةُ الْأَعْمَاقُ؛ (همو: ج ۲، ۴۹۴)

کعب گفت: همانا برای خدا درباره روم سه کشتارست، اولین آن‌ها یرموک، دومین فینقس یعنی تمره که همان حمص است و سومین اعماق است.

روایات بالا درباره حوادث آخرالزمان و دربردارنده پیشگویی درباره روم و دابق و نقش آن در تحولات آخرالزمانی است.

همه این روایات مردود است و کعب الاحبار، اسرائیلیات و احادیث مردودی را نقل می‌کند که فقط در فتن و ملاحم آورده است. از آن جایی که این اخبار مستند نیستند در این باب به آن‌ها استناد نمی‌شود.

روایت ششم

حَدَّثَنَا الْوَلِيدُ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ مَوْلَى بَنِي أُمِيَّةَ، عَنِ الْوَلِيدِ بْنِ هِشَامِ الْمُعِطِيِّ، عَنْ أَبَانَ بْنِ الْوَلِيدِ الْمُعِطِيِّ: سَمِعَ ابْنَ عَبَّاسٍ، يَحَدِّثُ مَعَاوِيَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا يَقُولُ: «بَلِي رَجُلٌ مِثِّي فِي آخِرِ الزَّمَانِ أَرْبَعِينَ سَنَةً، تَكُونُ الْمَلْحَمَةُ لِسَبْعِ سِنِينَ بَقِيْنَ مِنْ خِلَافَتِهِ، فَيَمُوتُ بِالْأَعْمَاقِ عَمًا، ثُمَّ يَلِيهَا رَجُلٌ مِنْهُمْ دُوشَامَتَيْنِ، فَعَلَى يَدَيْهِ يَكُونُ الْفَتْحُ يَوْمَئِذٍ، يَعْنِي: فَتْحَ الرُّومِ بِالْأَعْمَاقِ»؛ (همو: ج ۲، ۴۴۳)

ابان بن ولید معیطی می‌گوید از ابن عباس در حالی که برای معاویه حدیث نقل می‌کرده شنیده که می‌گفت: مردی از ما در آخرالزمان چهل سال می‌آید و در حالیکه هفت سال از حکومت او باقیمانده است، کشتار بزرگی اتفاق خواهد افتاد و در اعماق خواهد مرد. بعد از

او مردی که صاحب دو شامه هست می‌آید و در آن روز پیروزی خواهد بود یعنی شکست روم در دابق.

روایت هفتم

حَدَّثَنَا رِشْدِينُ، عَنِ ابْنِ هَيْبَةَ، عَنْ أَبِي قَبِيلٍ، وَيَسِيرِ بْنِ عَمْرٍو، قَالَ: «الْإِسْكَندَرِيَّةُ وَمَلَاجِمُ الْأَعْمَاقِ عَلَى يَدِ طَبَارِسَ بْنِ أَشْطَبِيَانَ بْنِ الْأَخْرَمِ بْنِ قُسْطَنْطِينَ بْنِ هِرْقَلٍ». قَالَ: وَسَمِعْتُ أَنَّهُ «بِرُومِيَّةٍ»؛ (همو: ج ۲، ۴۷۲)

ابی قبیل و یسیر بن عمرو گفتند: اسکندریه و کشتار اعماق به دست طبارس فرزند اسطیبان فرزند اخرم فرزند قسطنطین فرزند هرقل است. گفت: و شنیدم که آن در رومیه است.

روایت هشتم

حَدَّثَنَا أَبُو وَهَبٍ، وَرِشْدِينُ، جَمِيعًا عَنِ ابْنِ هَيْبَةَ، عَنْ أَبِي قَبِيلٍ، عَنْ حَبِيبِ بْنِ شَرَّاحِيلٍ، قَالَ: سَمِعْتُ عَبْدَ اللَّهِ بْنَ عَمْرٍو بْنِ الْعَاصِ، يَقُولُ: "إِنَّ أَهْلَ الْأَنْدَلُسِ يَأْتُونَ فِي الْبَحْرِ، وَإِنَّ طُولَ سُفْنِهِمْ فِي الْبَحْرِ مِائَتُونَ مِيلًا، وَعَرْضُهَا ثَلَاثَةٌ عَشْرَ مِيلًا، حَتَّى يَنْزِلُوا فِي الْأَعْمَاقِ وَقَالَ ابْنُ وَهَبٍ: الْبَرُّ وَالْبَحْرُ"؛ (همو: ج ۲، ۴۷۲)

حبیب بن شراحیل گفت: از عمرو عاص شنیدم که می‌گفت: همانا اهل اندلس در دریا می‌آیند و طول کشتی‌های آنان پنجاه میل و عرض آن‌ها سیزده میل است؛ تا این که در اعماق پیاده شوند. ابن وهب گفت: خشکی و دریا.

روایت نهم

حَدَّثَنَا الْوَلِيدُ، عَنِ ابْنِ هَيْبَةَ، قَالَ: حَدَّثَنَا أَبُو الْمُغِيرَةَ عُبَيْدُ اللَّهِ بْنُ الْمُغِيرَةَ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَمْرٍو، قَالَ: «الْمَلَاجِمُ حَمْسٌ، مَصَى مِنْهَا ثِنْتَانِ، وَبَقِيَ ثَلَاثٌ، فَأَوْلَهُنَّ مَلْحَمَةُ الشَّرِكِ بِالْجَزِيرَةِ، وَمَلْحَمَةُ الْأَعْمَاقِ، وَمَلْحَمَةُ الدَّجَالِ، لَيْسَ بَعْدَهَا مَلْحَمَةٌ»؛ (همو: ج ۲، ۴۷۶)

عبدالله بن عمرو گفت: جنگ‌های شدید پنج تاست؛ دو تا از آن‌ها گذشته و سه تا باقی مانده، اولین آن‌ها کشتار ترک در جزیره و کشتار اعماق و کشتار دجال است؛ بعد از آن کشتاری نیست.

روایت دهم

حَدَّثَنَا رِشْدِينُ، عَنِ ابْنِ هَيْبَةَ، عَنْ عِيَّاشِ بْنِ عَبَّاسٍ، عَنْ يَزِيدَ بْنِ قَوْذَرٍ، عَنْ أَبِي صَالِحٍ، عَنْ تَبِيْعٍ، قَالَ: «الَّذِي يَهْرُمُ الرُّومُ يَوْمَ الْأَعْمَاقِ هُوَ خَلِيفَةُ الْمُوَالِي»؛ (همو: ج ۲، ۴۸۶)

تبیع گفت: کسی که روم را در روز اعماق شکست می‌دهد جانشین موالی است.

همه این‌ها مردود است و فقط ابن لهیعه آن‌ها را نقل کرده و به آن‌ها استدلال نمی‌شود. هرچند وسعت روایت و تبحر ابن لهیعه مورد تحسین برخی از اهل حدیث اهل سنت قرار گرفته ولی ضبط و اتقان او در نقل حدیث مورد تردید رجالیان واقع شده است و ظاهراً سبب آن بوده است که منزل وی در سال ۱۷۰ق دچار حریق شد و بنا بر نقل برخی از مؤلفان، کتب وی نیز در آتش سوخت و از این رو پشتوانه لازم در ضبط حدیث را از دست داد. (ذهبی، ۱۴۰۵: ج ۸، ۲۶-۱۳) خلاصه این که روایاتی که درباره دابق یا اعماق آمده است، صحیح نیست.

نقد ادعای داعش در تطبیق روایت دابق

در این که منظور از دابق در روایات همین منطقه معروف و شناخته شده در شمال حلب هست، شکی وجود ندارد ولی در باب تطبیق زمان موعود در روایت با زمان ما تردیدهای جدی وجود دارد.

طبق این روایت، پیامبر خدا ﷺ فرمود: لَا تَقُومُ السَّاعَةُ حَتَّى تَنْزِلَ الرُّومُ بِالْأَعْمَاقِ، أَوْ بِدَائِقِ فَيَخْرُجُ إِلَيْهِمْ جَيْشٌ مِنَ الْمَدِينَةِ... حرف فاء در فَيَخْرُجُ دلالت بر ترتیب می‌کند. توضیح این که: حضرت رسول ﷺ می‌فرماید: بعد از این که روم به اعماق یا دابق حمله کرد، لشکری از مدینه علیه آنان حرکت می‌کند. با توجه به این نکته، این سوال به ذهن خطور می‌کند که آیا داعش مدعی است که روم به دابق حمله کرده یا این که قرار است حمله کند؟ اگر جواب‌شان این باشد که روم به دابق حمله کرده؛ پر واضح است که چنین ادعایی باطل است زیرا اولاً: می‌دانیم که در زمان ما روم به دابق حمله نکرده و ثانیاً: این جواب با فراز بعدی روایت که می‌گوید رومیان از مسلمانان می‌خواهند که مبارزینی را که از رومیان اسیر گرفته‌اند به آنان تحویل دهند؛ مخالف است. زیرا می‌دانیم که رومیان در دست داعشیان اسیر نیستند. و اگر جواب‌شان این باشد که قرار است روم حمله کند (چنان که شواهد نشان می‌دهد مدعای آنان همین است) باز هم نمی‌توانند به این روایت استناد کنند. زیرا کلمه یخرج در روایت همراه با فاء تفریع است که دلالت بر تاخیر دارد و با این حساب قبل از حمله روم نیروهای داعش باید در مدینه باشند در حالی که داعشیان بر خلاف روایت، قبل از حمله روم، به دابق آمده‌اند.

نکته دیگر این که الف و لام در المدینه، الف و لام عهد ذهنی است و ظهور در مدینه الرسول دارد و تا زمانی که قرینه‌ای بر خلاف آن نباشد، باید بر آن حمل شود. در حالی که داعشیان نه تنها از مدینه بلکه از ملل مختلف در دابق جمع شده‌اند.

بر فرض بپذیریم که روم به دابق حمله کرده و داعش به مبارزه با آنان برخاسته است طبق این حدیث، پیامبر اکرم ﷺ فرمودند: بعد از آن که روم به دابق حمله می‌کند یک سوم از مسلمانان شکست می‌خورند و یک سوم کشته می‌شوند و یک سوم پیروز می‌شوند؛ این سوال به ذهن خطور می‌کند که چه زمانی روم به دابق حمله کرده یا می‌کند؟ و ثانیاً داعش در حال تجربه کدام یک از یک سوم‌های فوق است؟ (شکست خوردن، کشته شدن یا پیروز شدن) طبیعتاً اثبات هر کدام از این‌ها نیاز به دلیل‌های متقن و محکم دارد و صرفاً با احتمال و ادعا نمی‌توان چیزی را اثبات کرد.

از نظر منبع و رجال نیز مشخص شد که همه راویان این روایت مورد تأیید همه رجالیون اهل سنت نبوده و برخی از آنان از طرف علمای سنی، مورد نقد جدی قرار گرفته‌اند.

نتیجه‌گیری

تطبیق روایتی بر یک واقعه یا حادثه، نیازمند دلیل متقن و قرینه روشنی است تا بتوان به‌طور حتم به صحت تطبیق حکم کرد. در جایی که بتوان معانی مختلفی را بر روایتی بار کرد، تقدیم هر کدام از آن معانی، نیازمند دلیل محکم و مویدات روشنی است که احتمالات دیگر را تضعیف کند و یا از بین ببرد. در روایت دابق نیز همین قانون حاکم است.

از آن جایی که حملات روم و اسلام بارها علیه هم اتفاق افتاده و نتیجه آن شکست و پیروزی برای هر دو طرف بوده، نمی‌توان ادعا کرد که زمان ما همان زمان موعودی است که پیامبر اسلام ﷺ وعده آن را داده است. داعش با چه قرینه روشن و موید محکمی می‌تواند چنین ادعایی را داشته باشد؟

با مطالعه شرح نووی بر صحیح مسلم که مشهورترین شرح در بین اهل سنت است، این نکته به دست می‌آید که نووی فقط به شرح روایت پرداخته و از تطبیق روایت بر زمان یا افراد خاص پرهیز کرده است. ولی امروزه داعشیان بر خلاف علمای اهل سنت، با تطبیق روایت دابق در زمان حال و خودشان، عملاً زمینه انحراف خود و دیگران را فراهم کرده‌اند.

منابع

- ابن حجر عسقلانی، ابوالفضل أحمد بن علی بن محمد بن أحمد، (۱۴۱۵) *إتحاف المهرة بالفوائد المبتكرة من أطراف العشرة*،، مدینه، مجمع الملك فهد لطباعة المصحف الشريف.
- ابن عدی، ابو احمد عبد الله بن عدی، (۱۴۰۹) *الکامل فی ضعف الرجال*، بیروت، دار المعرفة.
- تونه ای، مجتبی، (۱۳۸۴) *موعودنامه*، قم، میراث ماندگار.
- تویجری، حمود بن عبد الله بن حمود بن عبد الرحمن (۱۴۱۴)، *إتحاف الجماعة بما جاء فی الفتن والملاحم وأشراف الساعة*، ریاض، دار الصمیعی للنشر والتوزیع.
- جعفریان، رسول (۱۳۹۱)، *مهدیان دروغین*، تهران، علم.
- حاتمی محمد رضا، (۱۳۹۴) شکل گیری داعش در کانون پویش جهانی شدن، فصلنامه *مطالعات روابط بین الملل*، شماره ۳۰، تابستان ۱۳۹۴.
- حموی یاقوت (۱۹۹۵)، *شهاب الدین أبو عبد الله یاقوت بن عبد الله، معجم البلدان*، بیروت، دار صادر.
- دانی، عثمان بن سعید بن عثمان بن عمر (۱۴۱۶)، *السنن الواردة فی الفتن وغوائلها والساعة وأشرافها*، ریاض، دار العاصمة.
- ذهبی، أبو عبد الله محمد بن أحمد بن عثمان (۱۴۰۵)، *سیر أعلام النبلاء*، بیروت، مؤسسه الرسالة.
- ذهبی، أبو عبد الله محمد بن أحمد بن عثمان (۱۳۸۲)، *میزان الاعتدال فی نقد الرجال*، بیروت، دار المعرفة للطباعة والنشر.
- سلیمیان، خدامراد، (۱۳۷۸)، *فرهنگنامه مهدویت*، قم، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود.
- صادقی، مصطفی (۱۳۸۵)، *تحلیل تاریخی نشانه های ظهور*، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- طبری ابی جعفر محمد بن جریر (۱۴۱۸)، *تاریخ الطبری*،، بیروت، دار الفکر.
- طرابلسی حلبی، برهان الدین أبو الوفا ابراهیم بن محمد بن خلیل، (۱۹۸۸م) *الاغتباط بمن رمی من الرواة بالاختلاط*،، قاهره، دارالحديث.
- طقوش، محمد سهیل، (۱۳۸۴)، *دولت امویان*، مترجم: حجت الله جودکی، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

- عبدالرؤوف، زين الدين محمد (۱۹۹۹م)، *اليواقيت والدرر في شرح نخبة الفكر*، الرياض، مكتبة الرشد.
- عسقلاني، أحمد بن علي بن حجر (۱۳۷۹)، *فتح الباري شرح صحيح البخاري*، بيروت، دار المعرفة.
- عميد، حسن (۱۳۸۶)، *فرهنگ فارسي عميد*، تهران، اميركبير.
- محمدي، محمد حسين (۱۳۸۹)، *آخر الزمان در اديان ابراهيمي*، تهران، بنياد فرهنگي حضرت مهدي موعود.
- محمود، محمد خليل (۱۴۱۷)، *موسوعة اقوال الامام احمد بن حنبل في رجال الحديث وعلله*، بي جا، دارالنشر: عالم الكتب.
- نووي، أبو زكريا محيي الدين يحيى بن شرف (۱۳۹۲)، *المنهاج في شرح صحيح مسلم بن الحجاج*، بيروت، دار إحياء التراث العربي.
- _____ (۱۴۰۷)، *شرح صحيح مسلم*، دارالكتاب العربي، بيروت.
- نيشابوري، حاكم محمد بن عبد الله بن محمد بن حمدويه، (۱۴۱۱)، *المستدرک على الصحيحين*، بيروت، دار الكتب العلمية.
- نيشابوري، مسلم بن حجاج (۱۴۲۱)، *صحيح مسلم*، بيروت، دار الكتب العلمية.

- _ <http://www.baharnews.ir>
- _ <http://www.tabnak.ir>
- _ <http://www.valiasr-aj.com>
- _ <https://fa.wikipedia.org>
- _ <http://www.daesh.ir>

